

"پرشی از روی ایمان!!! از دنیای آینده جانمانید"



"انسان از واقعیت پا در فضای مجازی گذاشت، یا شاید آن را ساخت. اما در آینده‌ای نزدیک فضای مجازی واقعیت ما را خواهد ساخت."

چند روز قبل در دوره‌ای بودم. توجه من به اتفاقات و اولویت‌های اساتید و مهمانان آن دوره، دیدگاه جدیدی در من به وجود آورد. **کارآفرینی به سرعت از سبک سنتی به سبک دیجیتال هوشمند و مجازی می‌رود.** برای تغییر چه کار کرده‌اید؟ سبک دیجیتال اصلاً داشتن سایت و یا یک اپلیکیشن و کانال در شبکه‌های اجتماعی نیست، یک سبک فکری و زندگی متفاوت است. آیا در جریان این پارادایم هستید؟ می‌دانید چه خبر است؟ یا نه عجله‌ای نیست، اگر لازم شد تغییر می‌کنید. تغییرات مانند سونامی، در حال نزدیک شدن به کسب و کارها هستند. سونامی با ارتفاع بسیار زیاد، جای فرار به بالای کوه‌ها هم نمی‌دهد، آیا کشتی برای تغییر ساخته‌اید؟

در مقاله "**روش دوام کسب و کارهای کوچک**" راجع به نحوه برخورد افراد با تغییرات بازار مطالبی را عنوان کردم. زمانی که نشانه‌های تغییر می‌آید افراد به سه گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول که تعدادشان بسیار کم است. با قانون گسترش آشنایی دارند و روش پیشرفت جهان را می‌دانند. آن‌ها نشانه‌های تغییر بازار را قبل از شروع علنی تغییر می‌فهمند. تغییرات را در مکان‌های دیگر می‌بینند. و قبل از اینکه تغییر جدید، بازار را در دست بگیرد، در کسب و کارشان تغییر ایجاد می‌کنند. یا شغلشان را عوض می‌کنند یا اینکه تصمیم به سوار شدن بر امواج تغییر می‌گیرند. این افراد در حقیقت می‌فهمند موجی قوی در حال ایجاد شدن است، آماده و با وسایل، در حد توانشان به استقبال آن موج می‌روند و موج سواری می‌کنند. البته اگر بتوانند موج هم ایجاد می‌کنند، بالطبع جزء موفق‌های بازار جدید می‌شوند.

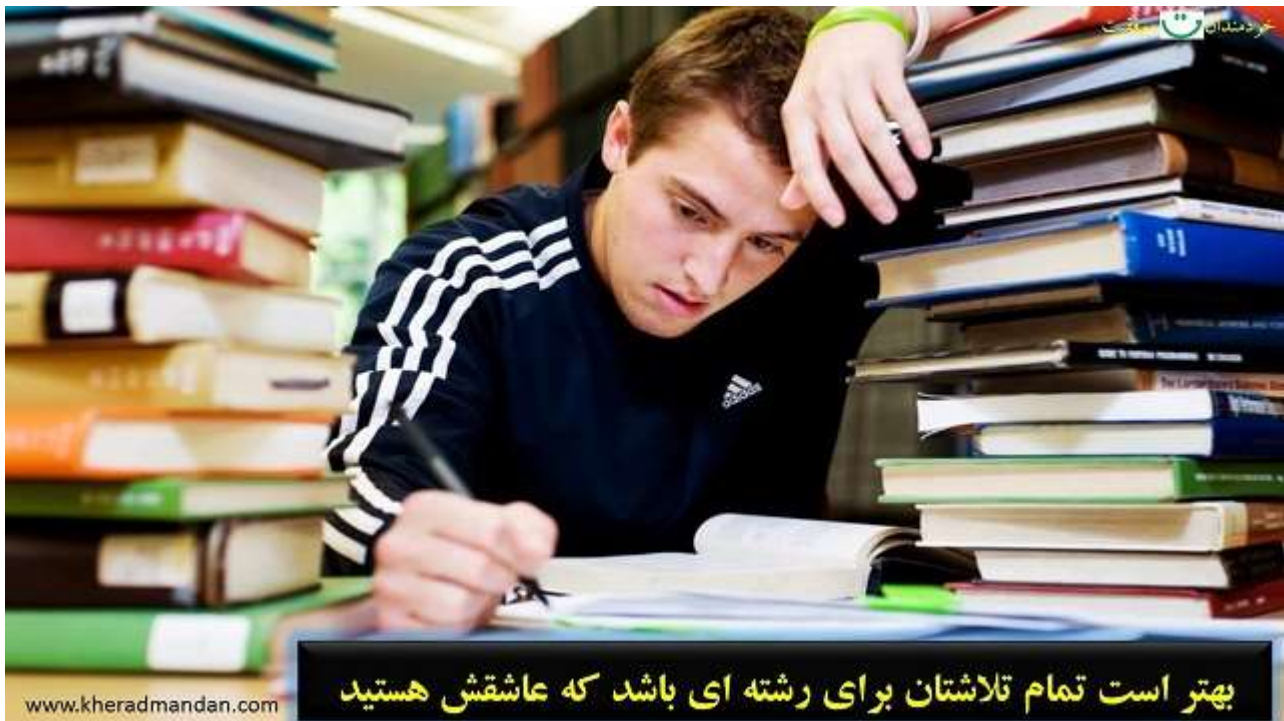
گروه دوم که تعداد زیادی از شاغلان بازار هستند. افرادی هستند که تغییر بازار را پس از اتفاق افتادن در شهر یا منطقه‌شان می‌بینند و شروع به دودوتاچهارتا می‌کنند و سریع تغییر می‌کنند. هرچند موجی را که آمده دیر می‌بینند و یا دیر به واکنش در مقابل آن تصمیم می‌گیرند، اما به سرعت با این موج هماهنگ می‌شوند و حرکت می‌کنند. آن‌ها بهای بیشتری را پرداخت می‌کنند، شاید بالاخره بتوانند طی چند سال و با کمی تأخیر به هماهنگی با تغییرات جدید برسند و به‌روز بشوند و از غافله عقب نمانند، بالطبع به دلیل دیر فهمیدن سود کمتری نصیبشان می‌شود.

گروه سوم که تعداد این‌ها هم زیاد است، به تغییر جدید اهمیتی نمی‌دهند و حتی مقاومت می‌کنند، شروع به پخش اعتراض و گلایه و شکایت می‌کنند. آن‌ها شاید قیمت‌هایشان را پایین بیاورند و دنبال مشتریان جدید در جاهای متفاوت باشند. بعضی‌ها حتی در دلشان از حذف هم‌رده‌هایشان در این کسب و کار استقبال هم می‌کنند. غافل از اینکه این کم شدن رقیب به دلیل تغییر رویه بازار است. این افراد همه چیز را می‌خواهند تغییر بدهند الا خودشان را !!!

این افراد درآمد و مشتریانشان روزبه‌روز کمتر می‌شود، در حقیقت آن‌ها به کارشان عادت کرده‌اند و همین روال انجام کسب و کار را جزء تغییرناپذیر وجودشان می‌دانند و وابسته‌ی آن کار شده‌اند، این افراد هرروز کارهایی را با دقت، علاقه و زحمت فراوان انجام

می دهند که شاید اصلاً نیازی به انجام آن‌ها نباشد، آن‌ها حاضرند چند برابر قبل کار کنند و محصولشان را ارزان‌تر بفروشند اما تغییری در روش درآمد و شغلشان ندهند. در حقیقت به قول آقای اسپنسر جانسون؛ این افراد قبول ندارند که پنی‌ر جابه‌جاشده است ولی آن‌ها جابجا نشده‌اند.

اما موضوعی که در این مقاله می‌خواهم بگویم در عین تأیید این صحبت‌ها، فراتر از این صحبت‌هاست. آینده سریع‌تر از آموخته‌های ما می‌آید، زمانی می‌گفتند: "اعتبار علمی مدرک تحصیلی ۵ سال است." یعنی بعد از آن فرد باید دوباره اطلاعاتش را به‌روزرسانی کند. زمانی دیگر این اعتبار علمی را دو سال می‌گفتند. والان با توجه به رشد و سرعت رشدی که داریم، می‌گویند: "یک مدرک کارشناسی فقط ۴۵ روز اعتبار علمی دارد." ۴ سال تلاش و تحمل هزینه و دردسر اگر بدون عشق و علاقه به رشته تحصیلی باشد، برای ۴۵ روز اعتبار علمی، منطقی به نظر نمی‌رسد!!!



بسیار ساده‌تر بگویم: "هر درسی در هر کجای دنیا بخوانید، بعد از تنها ۴۵ روز اعتبار علمی‌اش چندان زیاد نیست." البته این موضوع با اعتبار سندی آن اشتباه گرفته نشود. دارنده مدرک کارشناسی یا کارشناسی ارشد و دکتر، همیشه این اعتبار را با خودش دارد و سندی مبنی بر این اعتبار را می‌تواند ارائه دهد.

موضوعی که می‌گویم مربوط به استفاده از علم حاصل از اخذ مدرک، در اتفاقات روزمره است. هنوز هم من کاربرد انتگرال در زندگی‌ام رانمی‌دانم باینکه بیش از ۲۰ واحد از دروس انتگرال را پاس کردم!!! در جهان امروز در کار خویش فرمایی مدرک تقریباً اعتباری ندارد. الان با مدرک دانشگاهی فقط می‌شود در آزمون‌ها و یا محل‌هایی که نیازمند یک نوع مدرک هستند وارد صحنه

اشتغال شد و الا در کار آفرینی چندان تأثیری ندارد مگر اینکه خود کار آفرین عاشق کار، به دنبال یاد گرفتن موضوعی جهت رشد کسب و کارش باشد و علم را نه برای مدرک بلکه برای رفع نیاز و افزایش کلیدهای دسته کلید تصمیم گیری و عملش بخواهد. دوستانی دارم که توانسته‌اند استارت‌آپ‌های خوبی را در بازار کسب و کار واقعی تأسیس کنند. (الآن استارت‌آپ start up با استارت آپ start app گاهی اشتباه گرفته می‌شود) هیچ کدام در مسیر مدرک تحصیلی‌شان حرکت نکرده‌اند آن‌ها به نیاز روز پاسخ بهتری نسبت به سایرین داده‌اند. از بحث دور نشوم.

با توجه به جنس جهان امروز و روش جدیدی که سیستم جهان در پیش گرفته است، باید تفکر مکانیکی و تفکر قدیم را کنار بگذاریم و به سمت تفکر دیجیتال محور برویم. جهان آینده جهان فضای مجازی است. بهتر است تعصب به یک سبک فکری را کنار بگذاریم. همان‌گونه که گوشی‌هایمان و لوازم خانگی‌مان را به‌روزتر و هوشمندتر می‌کنیم، دنبال خرید ماشین‌های هوشمند هستیم، به ابداعات و اختراعات کمپانی‌های بزرگ مثل: گوگل، تسلا و اپل نگاه می‌کنیم، با اپلیکیشن‌ها، کارهای بانکی یا ارتباطی و اجتماعی خود را انجام می‌دهیم، خرید می‌کنیم، حتی به سفرهای درون‌شهری و برون‌شهری می‌رویم. باید ذهنیت خودمان را هم از تفکر مکانیکی به سمت تفکر دیجیتال یا تفکر فضا مجازی ببریم. البته برخلاف تغییر ظاهری، این تغییر تفکر کار بسیار سختی است. اگر متعصب به تفکر فضای مکانیکی باشیم در آن موقع داشتن ذهنیت با فضای مجازی شاید توهمی بیش به نظر نرسد. تحولات دیجیتال در ۱۰ سال اخیر بسیار سریع و خاص شده است. مهم‌ترین موضوعی که فهمیدم سیستم سازی به وسیله هوش مصنوعی در کنار استفاده KPI ها (مخفف کلمه Key Performance Indicator به معنای شاخص کلیدی عملکرد) در حال ورود در این مسیر است. KPI ها روشی‌هایی برای سنجش میزان خوب بودن عملکرد افراد و یا در سطح کلان‌تر میزان خوب بودن عملکرد سازمان و یا یک واحد سازمانی است.



باید ساختارها را عوض کرد. محدوده کسب و کار را وسیع تر دید و سریع تر اقدام کرد. از قدرت گروه‌ها برای سینرژی استفاده کرد و شبکه‌سازی را شروع کرد. شبکه‌ای که بخشی از آن در کنترل فضای مجازی و برنامه‌های نرم‌افزاری باشد.

در سال ۲۰۱۸ شرکت‌های دیجیتال جزو برترین شرکت‌های جهان هستند. شرکت‌های دیجیتال حتی قطعات مکانیکی را هم به شکل پیوند خورده با فضای دیجیتال و هوشمند می‌سازند. آن‌ها ارتباط را هم هوشمند کرده‌اند. شرکت‌هایی مثل فیس‌بوک حتی خدمات و قطعات فیزیکی هم ندارد. دیجیتالی شدن در همه جا نفوذ کرده است. محصول، فرایند و خدمات در حال دیجیتالی شدن هستند. شما هم ذهنتان را دیجیتالی کنید، به سبک جهان دیجیتال دنیا را ببینید.

قیمت‌ها در تکنولوژی دیجیتال روزبه‌روز در حال پایین آمدن است و سرعت و ارزش شبکه‌های اجتماعی دیجیتال و هوشمند در حال افزایش است. جمله‌ای می‌گویم که به اندازه دنیایی قیمت دارد اگر به آن اهمیت دهید و در مسیر آن قدم بردارید:

"در این سال‌ها ما در اوایل دوران دیجیتال شدن هوشمند هستیم و اقتصاد دیجیتال در مراحل آغازینش است." بسیار شنیدیم که می‌گویند: فرصت را یا اولین‌ها می‌برند و یا بهترین‌ها. البته من متفاوت‌ترین‌ها را هم اضافه می‌کنم، الآن فضای اینترنت و دیجیتالی شدن اشیاء در شروع راه خویش است. غافل نشوید اگر توانایی انجام کارهایی در این مسیر را دارید، قدمی بردارید.

عینک دید مکانیکی را بردارید، عینک دید دیجیتالی بزنید و شخصیت شغلی دیجیتالی را به دست بیاورید. خصوصیات انسان‌های با تفکر دیجیتالی را بررسی کنید، افرادی مثل ایلان ماسک، بیل گیتس، زاکربرگ، استیو جابز را بررسی کنید. البته نه همه خصوصیاتشان را بلکه شخصیت دیجیتال و تصویرهای آینده‌نگری‌شان را، پس از آن اگر می‌توانید اصول راه‌اندازی کسب و کار این بازار را انجام دهید.

خردمندان موفقیت

اساس کار در جذب اطلاعات از دنیای جدید است



www.kheradmandan.com

ما الآن فرصت بکری داریم، هر چند معتقدم همیشه فرصت خوب وجود دارد. اما قطعاً هیچ فردی همیشه عمر ندارد که از فرصت‌ها استفاده کند. اگر بخواهید می‌توانید گامی موفق در این مسیر بردارید. و به دنبال راه‌اندازی کسب و کار دیجیتال هوشمند باشید نه فقط راه‌اندازی کسب و کار اینترنتی.

الآن بسیاری از افراد و کمپانی‌های دیجیتال فرایند شروع تولید یا تهیه محصول تا رسیدن به دست مشتری اصلی را خودشان انجام می‌دهند و سرعت زیادی دارند. به غول‌های دنیای دیجیتال با قدم در جای پای آن‌ها گذاشتن نمی‌شود رسید. اما با شناخت روند جهان امروز می‌شود، از راه‌های میانبر به آن‌ها نزدیک شد یا از آن‌ها در بخش‌هایی پیشی گرفت، دنبال استفاده از شتاب‌دهنده‌های دنیای دیجیتال هوشمند باشید. دنباله‌رو غول‌ها نباشید مواظب لیدرهای صنعت و تخصص خودتان باشید. اگر می‌خواهید وارد بازار رقابت با این‌ها شوید باید اسلحه‌ای درست در دست داشته باشید تکنولوژی دیجیتال هوشمند، وزنه‌ای است که کفه وزنه را به سمت شما سنگین تر می‌کند.

مطمئن باشید اگر دیجیتالی نشوید، حذف می‌شوید شاید نه فوراً ولی قطعاً این اتفاق برای هر کسب و کاری خواهد افتاد. سیستم‌ها در حال هوشمند شدن هستند، سعی کنید KPI های بیشتری را در کسب و کارتان شناسایی و کنترل کنید، برخی شاخص‌های جدید را تعریف کنید و در کسب و کارتان پیاده‌سازی کنید. به سمت ساختن ابزار و وسایل دیجیتال هوشمند بروید. ابزاری که اطلاعات را بهتر و کامل تر جذب، تجزیه و تحلیل و داده سازی هوشمند بکند و آن را قابل ارائه و فروش در فضای مجازی بکند. یا اینکه از خلاقیت، ایجاد و نصب سرویس‌های اضافه بر روی ابزارهای پر مصرف در زندگی غافل نشوید به عنوان مثال: مبل و صندلی هوشمند طراحی کنید، لوازم خانگی و حتی لوازم التحریر هوشمند طراحی کنید، فقط باید طوری طراحی کنید که در عین داشتن خاصیت‌های عمومی مورد نیاز این لوازم قابلیت‌ها و امکانات جدید و هوشمندتری را داشته باشد. اضافه کردن یک کیت الکترونیکی حاوی ترازو، دماسنج، کنترل نبض و سیستم پخش موسیقی روی مبل شاید ایده خوبی باشد.



خبردار باشید در دنیای آینده اکثر کسب و کارهای فعلی یا از بین می‌روند یا اینکه پوست اندازی می‌کنند. جرئت ریسک آگاهانه را داشته باشید، جوان‌ترهای هر نسل به علت داشتن این جرئت از افراد نسل قبل خود پیشی می‌گیرند. هرکسی این جسارت را دارد، جوان است حتی اگر ۱۰۰ سالش باشد.

داستان فیلی که در آتش سوخت را همیشه در یادتان نگه‌دارید و زمانی که تغییری لازم بود و جسارت آن را نداشتید با خودتان مرور کنید:

"برای اهلی کردن فیل‌ها، آن‌ها از در زمان کوچک بودن با یک طناب ضخیم می‌بندند. طنابی که زور فیل به پاره کردن آن نمی‌رسد. فیل هنگامی که رشد می‌کند در ذهن خود با این باور بزرگ می‌شود که هنوز هم زورش به طناب نمی‌رسد. فیل بالغ با اندک اشاره‌ای می‌تواند طناب را پاره می‌کند. ولی چون در چارچوب و پارادایم قدیمی گیر کرده است حتی جرئت انجام این کار به ذهنش خطور نمی‌کند. چند سال قبل دریکی از سیرک‌ها اتفاق عجیبی رخ داد. چادر و محوطه سیرک بر اثر اتفاقی آتش گرفت، فیلی که در سیرک بود با یک طناب معمولی بسته‌شده بود ولی توانایی غلبه بر بندها را در ذهنش قبول نداشت حتی تلاشی هم برای نجات نکرد و در آن آتش سوخت.

تأثیر ذهنیت، دیدگاه و برداشت ما از جهان به قدری زیاد است که ممکن است تا آخر عمر مثل همان فیل اسیر غل و زنجیر ذهنی باشیم و این اسارت ذهنی نگذارد در جهت، تغییر و رسیدن به پیشرفت و تعادلی جدید قدم برداریم.

مانع اصلی شکست در فضای دیجیتال تفکر مکانیکی ذهنی است نه عوامل خارجی. مراقب باشید تا در زمانی که افکار افراد دارای ذهن دیجیتال به صورت فیزیکی تجلی پیدا کرد و ابزار آلات و وسایل هوشمند به بازار آمد غافلگیر و تماشای نباشید. هرچه سریع‌تر به عنوان یک بازیگر وارد گود شوید.

برای اینکه به دنیای دیجیتال هوشمند وارد شوید و در آن نقش بازیگر را اجرا کنید باید جرئت کنید و پرشی از روی ایمان به تأثیرگذاری خودتان و باور به قدرت و توانایی‌های خودتان انجام دهید.

به خودتان و به تیمتان ارزش قائل شوید خود را قدرتمند و آماده برای یادگیری، آماده برای رقابت و عمل بدانید. در دام مدرک و رشته تحصیلی تان نباشید. سبک تفکر ذهنی دیجیتال و شخصیت اقتصادی و اجتماعی دیجیتال هوشمند را انتخاب کنید و بهای تغییر در این مسیر را بدهید و از مسیر گذار تغییر دنیای مکانیکی به دنیای دیجیتال هوشمند را پردازید تا محصولی با چند صد برابر ارزش به دست بیاورید.

یادتان باشد این تغییر اجتناب‌ناپذیر است. اگر با اختیار و هوشمندانه حرکت کنیم در مقام موفق‌ها و بزرگان این دنیا قرار می‌گیریم. و اگر کوتاهی کنیم دنیا به زور ما را تغییر می‌دهد. کمترین اتفاق این است که، شرایط بیرون کاملاً تغییر می‌کند و ما در نظر عموم یک انسان دور از تمدن به نظر می‌رسیم.

نظر دیگران در رابطه با ما زیاد مهم نیست به شرطی که واقعیت نداشته باشد مهم‌ترین موضوع، بحث تغییر ذهنیت در کسب و کارهاست. بعد از مدتی، بحث سود و زیان نخواهد بود بلکه بحث بودن نبود یک شرکت یا کسب و کار خواهد بود، بزرگ و کوچک هم ندارد. اکنون تصمیم با شماست می‌توانید:

"پرسی از روی ایمان بکنید و پرواز را هم بیاموزید یا اینکه در قفستان که روز به روز کم فروغ تر و کم غذاتر می‌شود بمانید."

هادی آفاجانلو - مدیر سایت خردمندان کسب و کار

